

☆ روی خط سینما

• جشنواره فیلم لوکارنو فهرست ۲۰ فیلم / پروژه انتخابی برای بخش حمایتی (فیلم‌هایی برای فردا) را اعلام کرد که شامل ۱۰ فیلم بین‌المللی و ۱۰ فیلم سوئیسی در مراحل مختلف تولید است. هفتادوسومین دوره جشنواره فیلم لوکارنو که به علت شیوع ویروس کرونا لغو شده، این برنامه را برای حمایت فیلم‌های در دست تولید طراحی کرده است و به هر پروژه مبلغ ۷۳ هزار یورو جایزه نقدی خواهد داد. تعداد ۵۴۵ فیلم برای این حمایت به لوکارنو ارایه شدند که سینماگران سرشناسی مانند لوکریسیا مارتل، لادویاز، میگوئل گومز و محمد سودانی واجد دریافت این حمایت شده‌اند. □

• بهنام بانی به عنوان جدیدترین بازیگر جلوی دوربین فیلم سینمایی «گشت ارشاد ۳» سعید سهیلی رفت. این نخستین تجربه حرفه‌ای بانی در عرصه بازیگری خواهد بود. تاکنون علاوه بر بهنام بانی، ساعد سهیلی و پولاد کیمیایی به عنوان دو بازیگر اصلی این فیلم که فیلمبرداری‌اش اواخر هفته گذشته در تهران با حضور مسعود کیمیایی آغاز شد، جلوی دوربین رفته‌اند. □

• کیت وینسلت، بازیگر بریتانیایی در نقش خبزنکار آمریکایی جلوی دوربین می‌رود. هالیوود ریبورتر نوشته که الن کوراس در این فیلم با عنوان «لی» کیت وینسلت را کارگردانی خواهد کرد. در این فیلم زندگی‌نامه‌ای وینسلت در نقش لی میلر ظاهر می‌شود. او مدل مجله بود که در جنگ جهانی دوم به عنوان خبرنگار فعالیت کرد. □

✍ منهای سینما

• رمان‌های برگزیده سومین دوره جایزه «احمد محمود» معرفی شدند. سومین دوره جایزه «احمد محمود» که به علت وقایع سال گذشته و اشاعه ویروس کرونا نتوانست مراسم اختتامیه داشته باشد، با اعلام برگزیده خود در بخش رمان به شکل مجازی، تندیس و جایزه برنده را همزمان با دوره چهارم در زمستان ۹۹ اهدا خواهد کرد. هیأت داوران بخش رمان این جایزه متشکل از محمد حسینی، کامران سپهران و امیر نصری ضمن تقدیر و اهدای لوح و ویژه به رمان «پیاده» اثر بلقیس سلیمانی، کتاب «قوها انعکاس قیل‌ها» از پیام ناصر را به عنوان بهترین رمان منتشر شده در سال ۱۳۹۷ انتخاب می‌کند. □

• رمان پرفروش «رمز داوینچی» اثر دن براون به روی صحنه تئاتر می‌رود. قرار است این نمایشنامه برای نخستین بار در تور بریتانیا در روز سوم آوریل ۲۰۲۱ روی صحنه تئاتر چرچیل در شهر براملی برود. «رمز داوینچی» با فروش بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه در جهان، پرفروش‌ترین رمان قرن بیستم و یکم است و براساس آن در سال ۲۰۰۶ فیلمی نیز با بازیگری تام هنکس و ادری توتو ساخته شده است. □

• اسماعیل عقیقه، تهیه‌کننده سریال «جبران» به کارگردانی حسن فتحی درباره دلیل تأخیر در تولید این پروژه گفت که دریافت مجوز و حتی انتخاب بازیگران این سریال از سال گذشته انجام شده و تنها دلایل تأخیر در تولید این پروژه طولانی شدن روند ساخت دکور برای این سریال تاریخی است و البته بحران شیوع کرونا باعث شد روند تولید حدود دو ماه به تأخیر بیفتد. گفتنی است داستان این مجموعه درباره یکی از زنان ناصرالدین شاه است و پیریناز ایزدپارو و بهرام رادان از نخستین بازیگرانی هستند که برای این سریال انتخاب شده‌اند. □

• امید حاجیلی، خواننده موسیقی پاپ روز پنجشنبه دوم مرداد ماه طی دو نوبت نخستین کنسرت روزهای کرونایی تهران را در تالار بزرگ وزارت کشور برگزار می‌کند. این کنسرت که طبق پروتکل‌های کرونا با ۵۰ درصد ظرفیت سالن برگزار خواهد شد، این روزها به دلیل افزایش قیمت بلیت مورد انتقاد قرار گرفته است. برای این کنسرت قیمت بلیت ۷۰ هزار تومان آغاز تا ۲۶۵ هزار تومان نیز ادامه پیدا می‌کند که نسبت به سال قبل افزایش قیمت بلیت‌ها قابل توجه است. □

☆ دیالوگ

رضا رویگری: «نمی‌شود که بازیگر و عوامل کار کنند و مزایای مالی‌اش به شخص دیگری برسد. بازیگر هم در همین جامعه زندگی می‌کند. من الان ماهی ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اجاره می‌دهم، چطور باید این مبلغ را پرداخت کنم؟ نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان از این و آن و از کارهای تلویزیونی و سینمایی طلب دارم که نمی‌توانم بگیرم. کار کرده‌ام و پولم را نداده‌اند. تا جایی که بعضی وقت‌ها از کرونا خواهش می‌کنم تشریف بیاورند منزل ما. واقعا خسته شدم، زیاد هم از کرونا نمی‌ترسم. ما زندگی نمی‌کنیم. یک هنرمند به چه چیزی زنده است؟ به اینکه کار بکند و از کاری که می‌کند، لذت ببرد.» □

مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی: «از یکشنبه یکم تیرماه تا روز گذشته فروش فیلم‌ها حدود یک میلیارد تومان و تعداد مخاطبان ۴۸ هزار و ۷۸۶ نفر بوده است. فیلم «شنای پروانه» ۶۳۱ میلیون فروخته، «خوب بد جلف ۲، ارتش سری» ۲۶۳ میلیون تومان و بقیه فیلم‌ها، یعنی «جهان با من برقص»، «بلدا»، «عطر داغ»، «پادم تورا فراموش»، «۴۷»، «سراسر شب» و مستندهای هنرو تجربه نیز نزدیک به ۴۰ میلیون تومان فروخته‌اند.» □

جمال‌الدین کرمی، نویسنده: «کودکان کار، کودکان بی‌خانمان، کودکان جنگ، کودکان طلاق، کودکان خشونت‌دیده، کودکان فرار از خانه و همچنین قاچاق کودکان از مسائلی هستند که گریبانگیر کودکان می‌شوند و ادبیات می‌خواهد نسبت به آنها واکنش نشان دهد. اما پیش از آن باید به این فکر کرد که چرا باید حادثه‌های مانند رومینا اتفاق بیفتد و جایگاه قانون در این رویداد کجاست؟ باید از خودمان بپرسیم چرا به کودکانی که برای او حق ازدواج قائل شده‌ایم، اجازه عاشق شدن نمی‌دهیم؟ همه اینها در درجه اول برخاسته از ناآگاهی خانواده‌هاست. این خشونت فقط متوجه رومینا نیست، متوجه تمام کودکانی است که قلب‌شان به درد می‌آید و احساس ناامنی می‌کنند.» □

عاشق نیویورک درگذشت

این‌دیپندنت نوشته که میلتن گلیزر خالق طرح معروف «من عاشق نیویورکم» در نودویک سالگی در اثر سکته قلبی درگذشت. او از معروف‌ترین طراحان گرافیک آمریکا به شمار می‌رفت. گلیزر طرح «من عاشق نیویورکم» را سال ۱۹۷۷ برای یک کارزار تبلیغات گردشگری خلق کرد، اما این طرح به سرعت چنان معروفیتی یافت که اکنون بعضی از آن به عنوان نماد شهر نیویورک یاد می‌کنند. میلتن گلیزر اما خود ایده این طرح را «ناچیز و خیلی کوچک» توصیف کرده است و سال‌ها بعد گفت که از معروفیت این طرح «واقعا جا خورده» است. گلیزر در پی حملات تروریستی یازدهم سپتامبر طرح معروف خود را با اندکی تغییر بار دیگر منتشر کرده بود که این بار این جمله را روایت می‌کرد: «من بیش از همیشه عاشق نیویورکم.»

میلتن گلیزر سال ۱۹۳۹ در برانکس در شهر نیویورک به دنیا آمد و روز شنبه به گفته همسرش در اثر سکته درگذشت. این طراح گرافیک همچنین سال ۱۹۶۸ نیویورک مرکزین را بنیادگذار و از دیگر طرح‌های بسیار معروفش یکی هم طرح آلبومی برای باب دیلن، خواننده، شاعر و آهنگساز آمریکایی است که سال ۱۹۶۷ خلق کرد. □



به دنبال پاسخ به یک پرسش: راز موفقیت نسل جدید فیلمسازان لاتین چیست؟

راهی برای تسخیر هالیوود

← داستان عبرت‌آموز سه تفنگدار مکزیک که سینمای آمریکا را به خدمت خود در آوردند

✍ [امین فرج پور] چندی پیش گزارشی کار کردیم درباره اینکه «چرا فیلمسازان ایرانی خارج از مرزهای ایران موفقیتی ندارند و فیلم‌هایشان حتی در قیاس با آثار قبلی‌شان نیز شکست خورده جلوه می‌کند؟» از این نظر مکزیک شرایطی دقیقا برعکس ایران دارد. کشوری که سنت سینمایی چندان غنی ندارد، تا همین چندسال اخیر نامی از آن بر نقشه سینمای دنیا نود و جشنواره‌ها هم چندان توجهی به سینمای این کشور نداشتند. اما همین کشور در سال‌های اخیر مهم‌ترین فیلمسازان را روانه هالیوود کرده است که بزرگ‌ترین افتخارات را به دست آورده‌اند. چرا آنها می‌توانند و ما نه. پاسخ شاید در مقاله‌ای باشد که نشریه سینمایی اسلیت درباره موفقیت کارگردانان مکزیک در هالیوود نوشته است...

لوبزکی شکل گرفته است. «از گور برگشته» هم یک حماسه خشن وسترن با سابقه‌ای ناخوشایند و بارها ناکام در تولید است که تقریباً ایناریتو و بازیگرانش را به لبه جنون سوق داد و البته «شکل آب» هم محصولی است از تخیل تیز و رنگین دل تورو. «رما» نیز آخرین نمونه از جاه‌طلبی‌های کوارون در تجربه‌گری در تصویر و صداها‌ی سینماست، محرکی تقریباً اجباری که باعث می‌شود بینندگان ترجیح دهند آن را به جای خانه در سالن‌های سینما تماشا کنند.

•••

عامل دیگری که موفقیت این سه کارگردان بزرگ مکزیک را توضیح می‌دهد، راهی است که آنها برای ورود و تثبیت در هالیوود انتخاب کرده‌اند. این هر سه به جای تلاش برای ادامه‌دادن سلیقه شخصی‌شان تصمیم گرفتند راهی را بروند که دیگو لونا آن را «بازی در زمین هالیوود» می‌نامد یا «ساخت چیزی که صنعت سینمای خواهد» و به این معناست که این سه خود را به عنوان کارگردان‌هایی تثبیت کردند که از نظر اقتصادی فیلم‌هایشان قابل اتکاست و بنابراین می‌شود پروژه‌های خطرناک‌تر، پیچیده‌تر و ریسکی‌تری را به آنان داد. دیگولونامی گوید که «البته هیچ‌کدام از این سه کارگردان تاکنون تنها کاری‌را که صنعت سینمای طلب، انجام نداده‌اند. این کار یعنی ساخت فیلم‌های کلیشه‌ای و تکراری. بلکه همیشه سعی کرده‌اند راه‌های جدیدی برای داستان‌گویی بیابند و سینما را با نوآوری‌شان شگفت‌زده کنند. نحوه تصمیم‌گیری، نپذیرفتن شکست و ناامید نشدن آنها بسیار تحسین‌برانگیز است.»

•••

عامل دیگر موفقیت، لذتی است که این فیلمسازان از کارشان می‌برند. آلفونسو کوارون سال ۲۰۰۴ در گفت‌وگوی مطبوعاتی فیلم «هری پاتر زندانی آزکابان»- که خیلی‌ها آن را به عنوان بهترین قسمت این سری فیلم ستایش می‌کنند- نظریه‌ای بامزه مطرح کرد و گفت که با دل تورو به این نتیجه رسیده است: «یادتان می‌آید که مادرایمان صبح یک کاسه بزرگ غلات یا کورن فلکس می‌دادند و می‌گفتند اگر آن را تمام کنیم، جایزه هم خواهند داد؟» کوارون آن روز با شیطنت گفت که او و دل تورو فیلم‌های تجاری‌شان را به شکل همان کاسه صبحانه می‌بینند که قرار است جایزه‌ای هم داشته باشد که چیزی نیست مگر امکان ساخت پروژه‌های شخصی‌تر و پرشورتری مثل «او همین‌طور مادرتر» یا «هزارتوی پن». کوارون در ادامه گفت: «اکنون من و گیرمو یک راز داریم که به مادران خود نمی‌گوییم. آنها نمی‌دانند که ما خود غلات را نیز دوست داریم و بدون جایزه هم آن را خواهیم خورد!» □

•••

جهان-وطنی

لون گریلو در نیویورک تایمز نوشته است: «سه تفنگدار» و موفقیت‌شان در هالیوود نشان از قدرت یک سنت هنری دارد (این سه تنها مکزیک‌های هالیوود نیستند، رودریگو پرایتو، فیلمبردار آرگو و گرگ وال استریت هم است، امانوئل لوبزکی، فیلمبردار هم است و بسیاری دیگر). سه تفنگدار رفقای سالیان دراز هم هستند و همدیگر را به سمت ریسک‌های موفق سوق داده‌اند.

اما مهم‌ترین راز موفقیت‌شان شاید در این باشد که فیلم‌های جهانی می‌سازند، نه بومی. بیشتر فیلم‌های بزرگ‌شان ربطی به مکزیک ندارند و این سه بکراندیشان را به شکلی ظریف در دل فیلم‌هایشان تنیده‌اند. فیلم‌های دل‌تورو اغلب باور به اشباح و ارواح و جن و پری را که در روستاهای مکزیک همگانی است، در بطن خود دارند. روایاتی که قابل قیاس و تشبیه به سنت ادبی رئالیسم جادویی نیز است. فیلم‌های ایناریتو هم آن خوشبینی مرسوم هالیوود را کنار زده‌اند و تصویر دنیایی شکسته و ناهنجار را به مخاطبان ارایه می‌دهند. کوارون نیز مثل آن دو تای دیگر سراغ قصه‌هایی نمی‌رود که باب طبع شبکه‌های تلویزیونی و حتی نتفلیکس باشد.

سال گذشته فیلم «رما» شاهکار آخر آلفونسو کوارون در ارشته نامزد اسکار شد که این نامزدی شامل بخش بهترین فیلم و بهترین فیلم خارجی نیز بود و خود کوارون نیز در بخش‌های بهترین کارگردانی، فیلمنامه و بهترین فیلمبرداری رقابت می‌کرد. اگر این فیلم در بخش بهترین فیلم موفق می‌شد- که شانس زیادی نیز داشت- کاری‌رامی‌کرد که هیچ فیلم و فیلمساز دیگری، حتی در فیکرفیلینی و اینگمار برگمان که سه اسکار در کارنامه دارند، موفق به انجام آن نشده‌بودند.

رما نتوانست این تاریخ‌سازی را انجام دهد و با چهار اسکار ماجراجویی‌اش را در اسکار تمام کرد. اما این یک پیروزی شخصی برای آلفونسو کوارون بود که در طیف وسیعی از فیلم‌ها، از «هری پاتر» تا «جاذبه» موفق بوده و در همین «رما» هم خاطرات خانه کودکی‌اش را در مکزیکوسیتی با جزئیاتی پرورستی ارایه داد و اسکار کارگردانی را به خانه برد. دستاوردها و موفقیت رما را می‌توان موفقیت یک گروه فیلمساز نیز در نظر گرفت که شبیه هیچ گروه دیگری در تاریخ سینما نیستند. درواقع اگر اسکار کارگردانی کوارون را در فیلم رما مدنظر قرار دهیم، «سه تفنگدار مکزیک هالیوود» یعنی آلفاندرو گونزالس ایناریتو، گیرمو دل‌تورو و آلفونسو کوارون در ۶ سال گذشته پنج بار اسکار کارگردانی را در دست خود گرفته‌اند. کوارون برای رما، دل‌تورو سال گذشته برای شکل آب، ایناریتو برای «از گور برگشته» و «بردمن» و خود کوارون نیز در سال ۲۰۱۳ برای درام فضایی «جاذبه».

البته فهرست کارگردانان خارجی که در شب اسکار به اوج حرفه خود رسیده‌اند، طولانی است، اما کمتر کشوری مانند مکزیک می‌تواند ادعا کند که نسلی از فیلمسازان موفق دارد که برای بیش از ۲۰ سال سینمای دنیا را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

•••

چه چیزی دل‌تورو، ایناریتو و کوارون را بی‌ظنیر و یگانه می‌کند؟ منتقد مشهور مکزیک، فرنانداسولر از نومه‌عقد است که موفقیت این گروه به تصمیم شخصی آنها برای ترک مکزیک آغاز شد: «آنان زود فهمیدند که صنعت سینمای مکزیک نمی‌تواند شرایط یا بودجه لازم برای پیشرفت حرفه‌ای را به آنان بدهد.» این منتقد ادامه می‌دهد: «آنان می‌توانستند مسیر طبیعی‌شان را ادامه دهند. می‌توانستند بر سبک‌شان اصرار کنند، روی گنج موفقیت‌شان چنبره بزنند و در حریم امن سینمای مکزیک فعالیت کنند، اما تصمیم گرفتند ریسک کنند و هر سه شجاعت این کار را داشتند.»

هر سه این فیلمسازان کارشان را از تلویزیون مکزیک آغاز کردند. اما در شرایطی که دیگر فیلمسازان همکارشان فرمول‌های تکراری اشک‌انگیز را دنبال می‌کردند، این سه نگاه‌شان به پرده بزرگ سینما بود. کوارون و دل‌تورو در نخستین فیلم‌های خود احوالی سی سالگی ساختند. کوارون یک کمدی بازیگوش شهری و دل‌تورو هم فیلم کروئوس را که فضای خون‌آشامی داشت. ایناریتو هم که در دهه ۸۰ انقلابی در رادیوی مکزیک ایجاد کرده بود، در سال ۲۰۰۰ با فیلم مشهور «آمورس پروس» به این باشگاه پیوست. پس از اولین فیلم‌ها، باز هم این فیلمسازان هیچ‌کدام به عقب نگاه نکردند. دیگولونا، بازیگری که مسیر حرفه‌ای خود را با کوارون در فیلم «و همین‌طور مادرتر» آغاز کرده است، می‌گوید: «این سه بلافاصله در جست‌وجوی چالش‌های بزرگ مکزیک را ترک کردند. من معتقدم که هر یک از این سه، هر کدام به شیوه خود درک کرده بودند که ریسک فاکتوری اساسی در موفقیت است.»

هر سه این گروه همچنین نوآوری‌های زیادی، هم از نظر روایی و هم فنی در کارشان دارند. سولر از نومه‌عقد این توانمندی را حاصل چالش‌هایی می‌داند که آنان در مکزیک با آنها روبه‌رو بودند: «در مکزیک خلاقیت امری تجملی نیست و شما برای پیشبرد کارتان باید هزاران راه خلاقانه ابداع کنید که مهم‌ترین آن در بحث بودجه است. خوب باید، در مکزیک همیشه به سر راهتان موانع زیادی وجود دارد و فیلمسازان باید یاد بگیرند که بیرون از این چارچوب‌ها فکر کنند.»

•••

دیگولونامی گوید: «تصمیم‌گیری این سه در مواجهه با مشکلات و نترسیدن‌شان در زمان بروز چالش تحسین‌برانگیز است.»

این خلاقیت بالاخره به کار این فیلمسازان آمد و البته زمانی جلوه بهتری گرفت که منابع بیشتری در اختیارشان قرار گرفت. مثلاً فیلم «جاذبه» را رویکردی پروسواس به هندسه فیلمسازی نامیده‌اند که کوارون در کنار امانوئل لوبزکی - که از بهترین فیلمبرداران تاریخ مکزیک است- خلق کرده است. یا «برد من» ایناریتو که اولین اسکار کارگردانی او را به ارمان آورده، تجربه‌ای غریب در نماهای طولانی است که این نیز درویزور